



احمد مسجد جامعی در مراسم رونمایی از کتاب استاد فرشچیان در تالار وحدت:

حکمت نظری و حکمت عملی در آثار استاد



احمد
مسجد جامعی
قائم مقام رئیس مرکز
دایره المعارف بزرگ اسلامی

آثار مینیاتوری که جنبه عاشقانه دارد، می کشد. اصلا در مینیاتور تصرف می کند و به آنکه به طور سنتی در خدمت متن بود، استقلال می بخشد و با شکاندن قاب تصویر و آوردن آن در خدمت متن ابتکاری دیگر خرج می دهد؛ انگار که مکتب قهوه خانه و مینیاتور و نقاشی و حتی نوعی کوپیسیم به هم آمیخته شده تا آثار این هنرمند بزرگ خلق شود. وگرنه مگر در مینیاتور اصلا چنین چیزهایی را داریم؟ مگر تراژدی و حماسه داریم که بشود عصر عاشورا؟ اما او این کار را می کند. از هنر جدید و ظرفیت های جدید بهره می گیرد و در عین حال در سنت ها و باورهای عمیق ریشه دارد. یک بار در محضرشان در کاخ سعدآباد، تابلوی حضرت علی اصغر را رونمایی کردیم. سفارش آن را به استادشان میرزا آقای امامی ارجاع می دادند. آقای امامی شخصیت برجسته ای بود.

وقتی کتابی از آثار ایشان تهیه و منتشر کردیم آقای فرشچیان بسیار خوشحال شدند و گفتند در حسرت یک گل و مرغ از استادم هستم. اما این نگاه با روایت آقای فرشچیان تفاوت داشت و چقدر روایت های ایشان منحصر به فرد و لطیفند. آقای فرشچیان فضای عمومی جامعه را نادیده نمی گیرد و به آن بی احترامی و بی اعتنائی نمی کند، اما نگاه خودش را دارد. مثلا درباره تابلوی حضرت

عباس به ایشان گفتم: «حضرت از روی زمین به زمین افتاد.» گفت: «دلم نیامد. هر چی فکر کردم دلم نیامد حضرت عباس از زمین به زمین بیفتد.» می دانید ایرانیان چه نسبت و رابطه ای با حضرت عباس دارند. اما او در اینجا روایت خودش را دارد و خاطره ای را که همواره در ذهن مردم است به شیوه و سبک دیگری متذکر می شود. لباس حضرت در این تصاویر بسیار فاخر است و تیرهای رها شده گویی به بدن این پهلوان روئین تن چندان کارگر نمی افتد. فرشچیان ذوق و سلیقه شخصی خود را به خورد مخاطب نمی دهد، بلکه ذوق و سلیقه مخاطب را ارتقا می دهد. می توان گفت نقاشی های ایشان در حوزه هنر دینی، منشا یک تحول و ارتقای سطح نگاه و نگارگری و هنرپردازی شده است و این را به وضوح در قیاس با آنچه در گذشته ارائه می شد، می توان دریافت و باز می توان گفت که فرشچیان یک چهره متمایز و متفاوت است؛ چهره ای درخشان نه تنها میان صاحب نظران و نظریه پردازان و هنرمندان، بلکه در بین همه مردم.

اگرچه در ابتدا گفتم به آقای فرشچیان استاد نگوییم و استادی چیزی برایشان نمی افزاید، اما این نکته را هم اضافه می کنم که ایشان استاد یک رشته نیست؛ معلم رشته های مختلف است و این توان را دارد که سنت و فرهنگ ایرانی که هنری ترکیبی است، گسترش دهد. تخت جمشید را تصور کنید. بخشی از هنر تخت جمشید لوتوس است. منشا لوتوس کجاست؟ شبه قاره. بخشی از این هنر هماست؛ منشا؟ در هنر مصر. بخشی از هنر بابل است. سرستون ها از هنر یونان است، اما وقتی همه اینها ترکیب شد، ترکیبش ایرانی است. روحش ایرانی است. در حکمت هم چنین است؛ شاید پیشینیان از یونان گرفتند، اما ترکیب نوبی ارائه دادند. آقای فرشچیان هم حقیقتا در هنر این کار را کرده است. تک تک اینها هنری مجزاست که ترکیب و تبدیل به اثری ایرانی شده. از این جهت در حوزه هنرهای ایرانی، ملی، سنتی و آیینی چهره منحصر به فرد و معلم بسیاری از هنرهاست. مثال دیگرش همین طرح

ضریح، جایی که فرشچیان دست می گذارد و ضریح را می سازد، جایی است که میلیون ها نفر آرزو دارند دست بگذارند و حرم را لمس کنند. این، کار یک هنر نیست؛ بیش از ده هنر باید تا چنین ضریحی ساخته شود. اول حجم، بعد ریاضی و هندسه، سپس ارائه های شکل و معنا، در دل اینها خط و خوشنویسی و طراحی و مینا و هنرهای مربوط به فولاد و طلا و نقره و... همه اینها باید به کار گرفته شود و در ترکیب درستی فراهم آید تا چنین اثر فاخری پرداخته شود. هنرهایی که کم کم در حال فراموشی است و چهره های برجسته در آنها کمتر دیده می شود. فرشچیان در همه این رشته ها تسلط دارد و می تواند همه اینها را کنار هم بچیند. در حقیقت هنر را کارگردانی کند تا یک اثر خلق شود. به واقع ایشان به فنون مختلف آگاه است و استادالاساتید. ما معمولاً به کسانی که در حوزه های مختلف استادی دارند، حکیم می گوییم. فرشچیان حکیم هنرهای ایرانی است.

هم حکمت نظری دارد و هم حکمت عملی. حکمت عملی که معلوم شد ولی آیا بدون حکمت نظری می توانیم چنین پرمعنا توصیف کنیم! می توانیم تابلوی هستی را این طور بسط دهیم! گاهی فکر می کنم در همه آثاری که در تاریخ ما وجود دارد آیا کسی برای مقدمه شاهنامه فردوسی با این عظمت که خلقت و هستی را بیان می کند و با نسخه های مختلف که در دوران تیموری و صفوی و دیگر ادوار طراحی و تصویر شده، کسی این بخش را تصویرگری کرده؟ کاش تصویرگری مقدمه شاهنامه را به دست فرشچیان داشتیم! خب اگر از این زاویه نگاه کنیم، فرشچیان هم در حکمت نظری و به گواهی آثارش هم در حکمت عملی صاحب ذوق و نظر و سبک است.

از این جهت می توان گفت ایشان در حوزه هنر معاصر ایران، در رشته های هنرهای ایرانی، چه سنتی و چه ملی و چه آیینی، استاد برجسته و فرزانه ای است و در رشته های مختلف تسلط دارد و می توان ایشان را حکیم هنرهای ایرانی - اسلامی نامید.

روحش شاد.

«محمود فرشچیان» استاد قلب ها

فرشچیان در زمینه طراحی مینیاتور یک حالت نوآوری داشتند ضمن اینکه از نظر اخلاقی بسیار انسان بی نظیر و متواضعی بودند، به گونه ای که بسیار در قلب اطرافیان خود جایگاه ویژه ای داشتند.

اگر بخواهیم از منظر زیبایی شناسی به تجزیه و تحلیل آثار استاد بپردازیم، باید بگوییم که ایشان در واقع مکتب خاصی را در زمینه هنر مینیاتور بنیان گذاشتند. البته من مینیاتوریست نیستم که خیلی دقیق و تخصصی در این زمینه شرح بدهم، اما چیزی که می بینم و دیدم این بود که ایشان یک نوآوری خاصی در سبک مینیاتور داشتند که برای اولین بار انجام شد و مختص خودشان بود.

استاد محمود فرشچیان بسیار انسان متعهد و مذهبی بودند و هیچ وقت بابت کارهایی که برای اهل بیت معصوم علیه السلام انجام می دادند حق الزحمه و پولی دریافت نمی کردند. به یاد دارم که روز با ایشان در حرم امام رضا (ع) بودم و دیدم که تابلوی فیروزه ای را که در آنجا به ایشان هدیه شد، بلافاصله به موزه امام رضا علیه السلام واگذار کردند، چرا که ایشان ارادت خاصی به امام هشتن علیه السلام و تمامی امامان معصوم داشتند که این ارادت و عشق

تماننا در آثار ایشان مشهود بود. استاد محمود فرشچیان نه تنها یک هنرمند برجسته، بلکه معلمی دلسوز برای فرهنگ و هنر این مرز و بوم و حتی برای نسل های جوان بودند و در واقع همیشه دغدغه فرهنگ، جوانان، دانشگاه ها و مسائل فرهنگی کشور را داشتند. او انسانی مهربان و دلسوز برای نسل جوان و هنر این مرز و بوم بود.

چند ماه پیش منزل یکی از اساتید بودیم که استاد فرشچیان زنگ زدند و شاید بیشتر از نیم ساعت با من صحبت کرده و سفارش کردند که آقای فرهادیه از شما خواهش می کنم که سبک استاد عیسی بهادری را در دانشگاه رواج دهید، چرا که این کار خیلی کار درستی است و ثواب دارد. کاری کنید تا سبک استاد بهادری از بین نرود و حتما سبک ایشان را ترویج بدهید و آن را به هنرمندان جوان و علاقمند نسل آینده این حوزه بشناسانید تا ادامه دار و ماندگار شود. قطعاً جای خالی استاد تا همیشه میان علاقمند به مرام و منش و هنر ایشان حس خواهد شد و وجود آثار زیبا و بی شمار ایشان اجازه نخواهد داد تا یاد و خاطرشان از قلب و ذهن دوستداران ایشان پاک شود.

روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.



استاد مرتضی
فرهادیه
طراح فرش

استاد محمود فرشچیان یک نوآوری خاصی در هنر مینیاتور داشتند که سبک مختص به خودشان بود و این سبک و نوآوری فقط زمانی شکل می گیرد که شخصی بیش از اندازه مرتب کار کند تا در حوزه کاری خود در حد خیلی اعلایی قرار بگیرد و بتواند چنین ایده هایی را به جامعه هنری ارائه داده و یک نوآوری صحیح و خوبی را خلق کند. همانطور که شاهد بودیم و در آثار ایشان دیدیم؛ استاد